



همه آنچه برای انجام دوره های ضمن خدمت لازم است را
تنها از سایت و کانال ما دنبال کنید :

t.me/ltmsyarir

www.LTMSYAR.ir

(برای ورود به سایت و کانال تلگرام لینک های بالا را بفشارید.)

دوره آموزشی (ضمن خدمت) مجازی

مدیریت پیشگیری از آسیب های اجتماعی

معاونت پژوهش برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی

شهرستان ساوجبلاغ

کارشناسی آموزش نیروی انسانی

بهار ۹۸





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگیری از آسیب های اجتماعی
ضمن خدمت فرهنگیان

چهار عنصر پیشگیری:

اعمال اقدامات پیشگیرانه قبل از وقوع جرائم است و کسی مرتکب جرمی نشده، پس نباید قهر آمیز باشند.

غیر قهر آمیز بودن

اقدامات پیشگیرانه باید مختص پیشگیری باشند نه اینکه پیشگیری جزء آثار جنبی اقدامات اعمال شده باشد.

اختصاصی بودن

هنگامی که یکسری اقدامات پیشگیرانه اعمال می شوند، یا باید منجر به ریشه کن کردن یک جرم شود و یا حداقل از آثار و زیان های یک جرم بکاهد.

کاستن آثار جرم

قبل از اینکه اقدامات پیشگیرانه اعمال شود ابتدا باید عوامل خطر شناسایی شوند که این عوامل خطر یا فردی هستند، یا اجتماعی.

در نظر گرفتن عوامل خطر

و محیط اجتماعی

انواع پیشگیری:



د - پیشگیری ابتدایی: راهکارهایی هستند در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و دیگر زمینه های سیاست عمومی که در سایه آن ها تلاش می شود، بر موقعیت های ایجاد جرم و علل ریشه ای ارتکاب جرم تأثیر گزارده شود. هدف اصلی در این پیشگیری، ایجاد امیدوارکننده ترین شرایط برای زندگی انسان است که شامل آموزش خانواده، ایجاد مسکن، استقلال و سرگرمی می باشد.

انواع پیشگیری :



MEHR NEWS AGENCY
Photo: Abbas Mohamadi

ژ - پیشگیری ثانویه: این نوع پیشگیری به مداخله برای پیشگیری از لحاظ گروه ها یا جمعیت های در معرض خطر جرم معطوف می گردد. این امر شامل شناخت زودهنگام شرایط جرمزا بودن و نفوذهایی است که در این شرایط اعمال می شود. برای این گروه ها می توان تدابیری خاص اندیشید؛ همانند تدابیر حمایتی در خصوص کودکان خیابانی، کودکان متعلق به خانواده های معتاد، بی سرپرست یا بدسرپرست و ...

انواع پیشگیری :

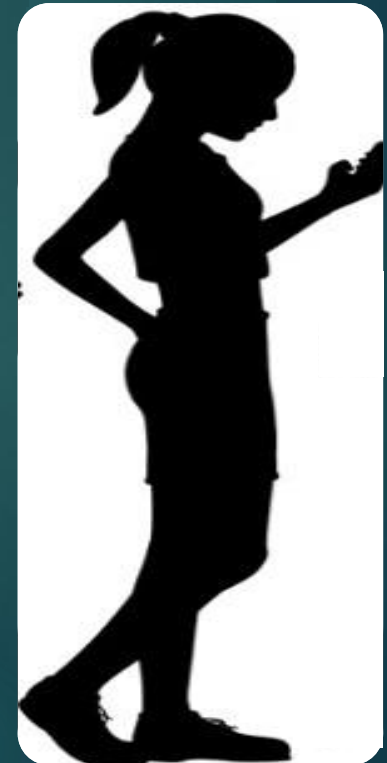
هـ - پیشگیری ثالث: معطوف به پیشگیری از تکرار جرم و تعدد آن در خلال اقدامات فردی می باشد تا بوسیله آن سازگاری مجدد اجتماعی یا خنثی نمودن بزهکاران پیشین صورت پذیرد. پیشگیری از تکرار و تعدد جرم، توسط پلیس و دیگر عوامل نظام عدالت کیفری صورت می پذیرد. این تدابیر مربوط، از ضمانت های اجرای قضایی و رسمی تا بازپروری مجرم و زندانی کردن او می باشد. البته لازم به ذکر است، در بسیاری از اوقات به دلیل محدودیت ضمانت های اجرایی مبتنی بر اصلاح و درمان، این نوع پیشگیری به تدابیر سرکوب گرانه تنزل پیدا می کند.



از دیدگاه روانشناسی رشد: در روانشناسی کودک بسته به سیر روند رشد فرد، دوران کودکی از نوجوانی تفکیک شده است. به طوری که بر اساس میزان رشد و نمو کودک در ابعاد جسمی و ذهنی و عاطفی سنین زیر ۱۲ سالگی *دوران کودکی* نام گرفته است.

تعریف طفل :

از دوازده تا
هجده سالگی



از هفت تا
دوازده سالگی



از دو تا هفت
سالگی



از تولد تا دو
سالگی



تعریف طفل:

از دیدگاه مقررات و اسناد بین المللی: بکار گیری تعبیر طفل در مقررات و اسناد بین المللی گاه با رویکرد تعیین حدود مسئولیت کیفری به منظور تفکیک مسئولیت کیفری اطفال از بزرگسالان به کار رفته است و گاه با رویکرد حمایتی از جهات گوناگون.

رویکرد مسئولیت کیفری

بر اساس قواعد پکن: نوجوان به کودک یا فرد نوجوانی اطلاق می شود که در صورت ارتکاب جرم تحت نظام قانونی متبوع خودش مشمول رفتاری متفاوت با رفتار معمول نسبت به افراد بزرگسال است.

رویکرد حمایتی

از مجموع قواعد و اسناد بین المللی می توان ۱۸ سالگی را سن حمایت از کودکان و نوجوانان نامید. به عنوان مثال: (قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی افراد زیر ۱۸ سال نوجوان را می نامد).

تعریف خطر:



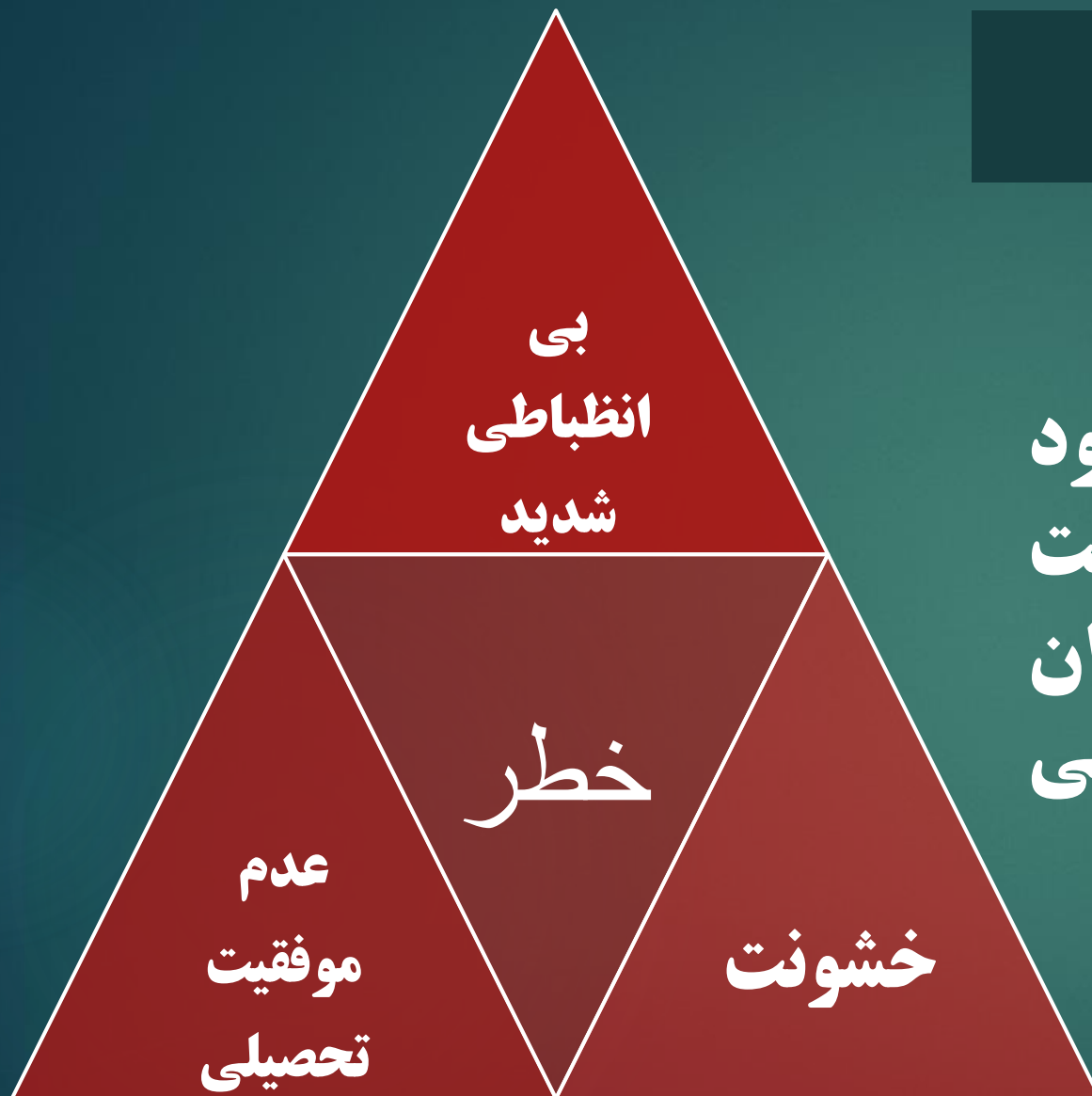
در فرهنگ فارسی، خطر، به معنای «
نزدیکی به هلاکت، نزدیکی بدانچه تلف
شدن کسی یا چیزی باشد و بیم تلف شدن و
دشواری» تعریف شده است.



در فرهنگ پیشرفته کمبریج این واژه
به معنای «احتمال وقوع حادثه یا
حوادث بد» بکار رفته است.



در معرض خطر بودن :



► از دیدگاه پیشگیری رشد مدار:

« در معرض خطر بودن » به معنای وجود مجموعه ای از محرک های مفروض علت و معلولی است که یک کودک و یا نوجوان را در معرض خطر بزهکاری قرار می دهد. به عبارت دیگر یعنی :

« قرار گرفتن در وضعیت خطرناک »

موضوعیت خطر :



دسترسی ناچیز
به آموزش
پرورش
مطلوب

موقعیت
پایین
اقتصادی
خانواده

غیبت مکرر
از مدرسه

موقعیت
پایین
اجتماعی
خانواده

فرصت های
اقتصادی
اندک

تحریک
پذیری

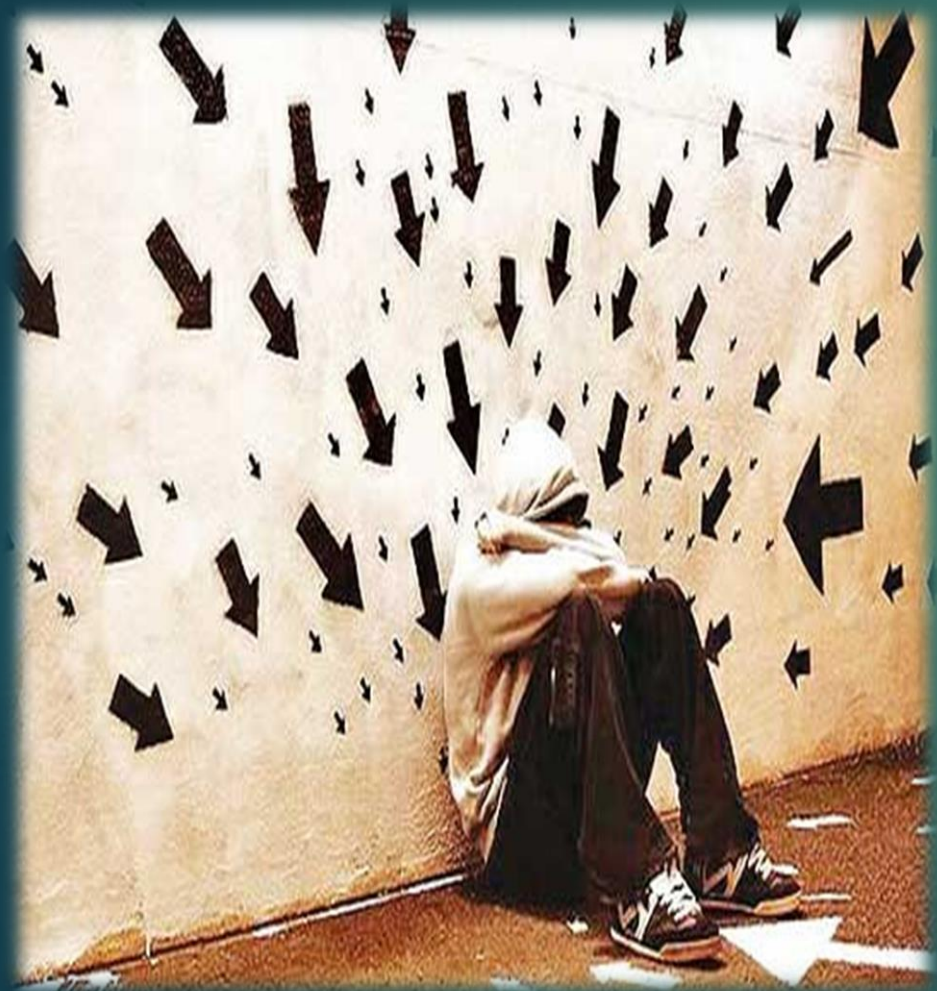
اضطراب

ناتوانی در
مهارت های
اجتماعی

افسردگی

ناامیدی

تعامل عوامل خطر :



به گفته محققان عوامل خطر با یکدیگر تعامل داشته و همدیگر را تقویت می کنند. در حالی که وجود یک عامل خطر مانند موقعیت ضعیف اقتصادی، اجتماعی خانواده ممکن است به تنهایی خطر زیادی را متوجه کودک ننماید اما چنانچه دو عامل خطر وجود داشته باشد احتمال نتایج نا مطلوب چهار برابر بیشتر است و با وجود چهار عامل خطر این احتمال ده برابر می شود.

تمثیل درخت خطر :

خاک

• عوامل مختلف محیطی از جمله : موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده(محل و منطقه مسکونی) عوامل فرهنگی و رسانه ها و دسترسی به شاخص های بهداشت روانی.

ریشه ها

• خانواده، مدرسه و گروه همسالان.

ساقه

• خصوصیات و ویژگی ها ، رفتارهای خاص و نگرش ها و مهارت های هر کودک و نوجوان.

شاخه

• نشان دهنده سازگاری یا ناسازگاری کودکان و نوجوانان با جامعه اند.

باغبان

• مسئولان ذی ربط در مورد مداخلات پیشگیرانه هستند.



پیشگیری رشد مدار:



این پیشگیری نشان می دهد که مداخله به هنگام درباره کسانی که به خاطر وضعیت خانوادگی در معرض ارتکاب جرم قرار گرفته اند می تواند جلوی بزهکاری و استمرار تمایلات مجرمانه در آنها را بگیرد. در پیشگیری رشد مدار در دوره های مختلف رشد جسمانی و عقلانی کودک سلسله اقدامات مناسبی صورت می گیرد تا در آینده کودک مرتکب جرم نشود. گاهی این اقدامات بلند مدت است تا ۲۰ الی ۳۰ سال بعد جواب دهد.

پیشگیری رشد مدار دو خصیصه دارد



یکی اینکه شامل مداخله
زودرس نسبت به
طفل، خانواده و مدرسه است.



دیگر اینکه این نوع پیشگیری
جنبه تربیتی و فنی دارد.

شناسایی علائم و نشانه های انحراف در
اطفال از اصلی ترین لازمه های پیشگیری
رشد مدار است و تا زمانی که انحرافات را
نشناسیم نمی توانیم به آن پاسخ دهیم. در
این پیشگیری هرگز منتظر ارتکاب جرم
نمی مانیم و بهترین راه برای پیشگیری و
شناسایی علت، رجوع به مادر است تا
متوجه شویم در دوران کودکی بر طفل چه
گذشته است.

عوامل خطر فردی



عوامل
روانی

عوامل
زیستی

توجه!

نقاط تحول



استعمال

دخانیات

اختلال
سلوی

خطر فوری



بزه دیدگی

رفتار جنسی

زود رس

عوامل خطر فردی: (جسمی)

- ۱- عوامل ژنتیک: حاصل مطالعات متعدد انجام شده در زمینه تاثیر ژنتیک و نوارث در بز هکاری آن است که علی رغم نتایج حاصل از برخی تحقیقات در زمینه مشابهت جنایی در بین برخی از انساب هیچ پژوهشگری وجود ژن جرم زا را نپذیرفته است و عقایدی مانند موروئی بودن بز هکاری و یا لزوم عقیم کردن مجرمان خطرناک ، نظریه هایی قابل دفاع نیستند. پژوهش های مربوط به ژنتیک رفتاری نشان داده است که محیط نقش مهم تری نسبت به عوامل ژنتیک در بروز اختلالات رفتاری داشته و فرزندان یک خانواده که محیط خانوادگی و زمینه های ارثی آنان مشابه است به دلیل مواجهه با محیط های غیر مشترک دارای تفاوت های رفتاری هستند.
- ۲- وضعیت مادر: دوره حیات جنینی دوره شکل گیری دستگاه عصبی انسان است و عدم برخورداری از تغذیه مناسب و یا قرار گرفتن در معرض استفاده از مواد مضر ، آثار شدیدی بر رشد قوای ادراکی و عصبی کودک بر جا می گذارد.
- ۸۰ درصد کودکانی که زودتر از ۴۰ هفتگی به دنیا آمده و در هنگام تولد وزنی کمتر از ۲ کیلو داشته اند در معرض آسیب های جسمی، ذهنی و اجتماعی قرار دارند. ۸۰ درصد این کودکان دچار کند ذهنی و یا بیش فعالی می شوند.
- علاوه بر این از جنبه سلبی نیز استفاده مادر از الکل و مواد مخدر آثار شدیدی بر رشد ادراکی و عصبی کودک از جمله نواقص توجهی و هوشی در طول دوران کوودکی و نوجوانی دارد.
- قرار داشتن مادر در معرض آلوده کننده ها و مواد سمی دیگر از جمله سرب بر جنین موثر بوده و مسمومیت های دارای منشا سربی می توانند به فرایند هایی مانند توجه و رشد شناختی کودک آسیب جدی وارد کنند. تابش اشعه ایکس و قرار گرفتن در معرض مواد رادیواکتیو نیز از عوامل ایجاد نواقص عصبی و عقب ماندگی های ذهنی در کودکان است.
- حالات روحی مادر نیز در وضعیت جنین بسیار موثر است.

عوامل خطر فردی: (جسمی)

آسیب های زایمانی: در پژوهشی که مدنیک و کاندل بر روی ۲۱۶ کودک در فاصله سال های ۱۹۵۶-۱۹۶۱ در کپنهاگ انجام دادند به بررسی ارتباط بین عوارض حین زایمان و بروز جرایم خشونت بار پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ۸۰ درصد مجرمان خشن در مقایسه با ۳۰ درصد مجرمان علیه اموال و مالکیت و ۴۷ درصد از غیر بزهکاران دچار عوارض حین زایمان (از جمله پارگی رحم) شده بودند. تحقیقات هوبر نشان داده است که ۷/۷ درصد از مشکلات بعدی کودکان ناشی از صدمات و ضایعات زایمانی بوده است. به گفته وی جراحات زایمانی یکی از شایعترین علل بروز نقیصه های عقلی است. رسیدن به موقع اکسیژن به کودک در هنگام تولد تأثیری اساسی در نسوج مغزی کودک دارد و کمبود اکسیژن در این مقطع به حدی در تکامل بعدی سیستم عصبی کودک مؤثر است که می توان آن را با آثار جراحات و ضایعات زایمانی مقایسه کرد.

اختلال متابولیسم: از هنگامی که در اوایل قرن نوزده بیوشیمیستها موفق شدند آثار فیزیولوژیک و روانشناختی ترشحات غدد درون ریز (هورمون ها) را از یکدیگر مجزا و شناسایی کنند، تاثیر این هورمون ها در رفتار های پرخاشگرانه مورد توجه قرار گرفت. غدد هیپوفیز، تیروئید و فوق کلیوی از جمله غدد هورمونی بدن انسان هستند که تاثیر زیادی در رشد ذهنی، بهره هوشی و واکنش های عصبی فرد دارند. بدکاری غده تیروئید ممکن است موجب افزایش یا کاهش هورمون تیروکسین و در نتیجه عصبانیت، پرخاشگری، بی حالی و تنبلی شود. پرکاری غده تیروئید موجب تشدید هیجان پذیری عصبی شده، با کوچک ترین هیجان ضربان قلب بالا می رود. از سوی دیگر بیش فعالی غدد فوق کلیوی موجب تراوش بیش از اندازه هورمون آدرنالین گردیده و ترشح بیش از حد این هورمون در خون موجب افزایش ضربان قلب و پرخاشگری در فرد می شود. به همین دلیل هورمون آدرنالین به هورمون خشم معروف است.

عوامل خطر فردی: (روانی)

► **خود پنداره منفی:** خود پنداره منفی یا تصور از خود ادراک یا احساسی است که کودک نسبت به خود دارد و در واقع عقیده فرد است درباره اینکه او چگونه است. یعنی فرد از جنبه های مختلف از نظر ویژگیها، مهارتها و خصوصیات چگونه خود را ارزیابی می کند. خود پنداره دید جامع فرد نسبت به خودش است که با کنش های فرد و تفسیر دیگران درباره این کنشها و عمل **خود** فرد بر طبق این تفاسیر و بارخوردها شکل می گیرد و در تداوم این تعامل فرد می کوشد تا به گونه ای رفتار کند که با درک و تفسیر وی از خود مطابقت داشته باشد. دوران کودکی و خردسالی که دوران شکل گیری خودپنداره در شخصیت افراد است، دورانی است که کودک در آن به دلیل وابستگی همه جانبه به بزرگترها و محیط پیرامون و به ویژه والدین و نیاز شدید به آنها مشتاق دریافت پاسخهای مثبت از سوی آنهاست و لذا همواره به گونه ای رفتار خواهد کرد که همان پاسخهای مثبت از سوی آنهاست و لذا همواره به گونه ای رفتار خواهد کرد که همان پاسخ ها را دریافت کند.

عوامل خطر فردی: (روانی)

► **ضعف اعتماد به نفس :** تعریف ساده اعتماد به نفس این است که کودک باور داشته باشد که کفایت و شایستگی و توانایی لازم برای حل مشکلات خود و پیشبرد امور خود را متناسب با روند تدریجی رشد و چالش های پیش روی دارد. دوره نوجوانی دوره گذاری است که طی آن جنبه های مختلف سلامت روان فرد دچار تحول می شود و یکی از مهم ترین این عوامل کاهش اعتماد به نفس در نوجوانی است.



عوامل خطر فردی: (روانی)

► **ضعف عزت نفس:** عزت نفس عبارت است از: ارزیابی درونی فرد از ارزشمندی خود تأیید ارزشمندی و احترام به خویشتن. احساس عزت نفس به بیان ساده بدین معنی است که کودک براساس پنداشتی که از خویش دارد چقدر برای خود ارزش قائل است. شکل گیری عزت نفس در کودکان و نوجوانان بر مبنای تجربه موفقیتها و ناکامیها، تعامل بر مبنای کرامت بزرگسالان و به ویژه والدین با کودک، آموزشهای اجتماعی و پیش بینی ارزیابی افرادی که برای کودک واجد اهمیت اند از رفتار کودک است. نقطه مقابل عزت نفس احساس از خود گریزی، خودتخریبی و تنفر از خود است. افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند احساس کفایت درونی کرده قادر به انطباق و سازگاری با دنیای پیرامون خویش اند و احساس می نند دوست داشتنی، مورد احترام، ارزنده و آزادند، در حالی که ضعف عزت نفس یکی از نشانه های مهم خطر گرایش به انحراف و بزهکاری است.

عوامل خطر فردی: (روانی)

► **عدم احساس خود اثر مندی:**

احساس خود اثر مندی به معنای آن است که فرد چقدر به توانمندی خود در انجام موفقیت آمیز یک وظیفه خاص، تحقق یک نتیجه و یا مقابله با وضعیت های خاص اعتقاد دارد.

► **اعتقاد به ناتوانی در اثر گذاری بر وقایع**

و شرایطی که در زندگی فرد تاثیر اساسی دارند فرد را نسبت به وقایع فشار آور، آسیب پذیر می کند.



عوامل خطر فردی: (روانی)

عدم قدرت تصمیم گیری :

در یک فرایند سالم تصمیم گیری کودکان و نوجوانان اطلاعات لازم را برای تصمیم گیری در اختیار دارند، آنان به درستی این اطلاعات را دریافت، درک و ذخیره سازی می کنند سپس با مرتبط کردن این اطلاعات یا اعتقادات، ارزش ها و نگرش های خود فردی سازی کرده راه حل های متصوره را با در نظر گرفتن نتایج ارزیابی می کنند.

با برخورداری از اعتماد به نفس و اعتقادی که به شایستگی خود دارند ، اهداف خود را مهم دانسته و با اقتدار به سمت تحقق آن اهداف حرکت نموده و احساس رضایت و موفقیت می کنند . در مقابل نوجوانان در معرض خطر ، دچار نقص در زمینه ی توانایی اتخاذ تصمیمات شایسته هستند.

ناتوانی در تصمیم گیری در کودکان در معرض خطر را میتوان ناشی از دو نقیصه مهم دانست

الف)منبع کنترل بیرونی

ب) ناتوانی در تاخیر امیال

عوامل خطر فردی: (روانی)

- ▶ منظور از منبع کنترل، مجموعه ای از اعتقادات است که فرد بر اساس آن موفقیت ها و شکست های خود را ارزیابی می کند. راتر (۱۹۹۶) (که بنیان گذار نظریه منبع کنترل است، از این حیث افراد را به دو گروه تقسیم کرده است؛ گروهی که دارای منبع کنترل درونی هستند معتقدند سرنوشت آنان در کنترل خودشان است و نوجوانایی که معتقد به کنترل بیرونی هستند بین عمل خود و نتایج حاصله ارتباطی نمی بینند. وضعیت خویش را ناشی از «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» دانسته و بر این عقیده اند که تلاش بیشتر ضرورتی ندارد زیرا نتایج از حوزه کنترل آنها خارج است (موفقیت را بیشتر به شانس، نفوذ پارتی و غیره نسبت می دهند) و بدین لحاظ قدرت تصمیم گیری در وجود آنان مختل گردیده است، احتمال قربانی شدن چنین افرادی زیاد بوده و واکنش منفی آنان در قبال قربانی شدن بسیار شدیدتر است.

عوامل خطر فردی: (روانی)

ج

ناتوانی در تأخیر امیال



▶ ناتوانی در تأخیر امیال: در وضعیت مطلوب، نوجوانان به طور ارادی تمایلات فوری را به تأخیر می اندازند، کف نفس را حفظ کرده و به رفتاری که اهداف عالی تری را پس از تأمین زمینه ها و شرایط لازم محقق می کند ادامه می دهند.

▶ ناتوانی در به تأخیر انداختن امیال با افسردگی، پایین بودن احساس مسئولیت اجتماعی، اختلالات سلوک، اختلالات شخصیت ضد اجتماعی و نیز اختلالات اعتیادی گوناگون مرتبط است.

عوامل خطر فردی: (روانی)

▶ **خطای شناختی:** بر اساس نظریه شناختی رفتار فعلی انسان مبتنی بر الگوهای شناختی است که در ذهن وی استقرار پیدا کرده است. واکنش هر فرد در مقابل متغیرهای محیطی در فرایندی صورت می گیرد که طی آن فرد محرک های محیطی را ادراک نموده بر اساس نظام و ساختار روانی خود این ادراک را به شناخت تبدیل می کند. بنابراین رفتار فرد در قبال متغیرهای تحریک کننده تا حد زیادی متأثر از باور ها، نگرش ها و فرض های هسته ای ساختار روانی وی می باشد.



عوامل خطر فردی: (روانی)

▶ —ناتوانی در مقابله با فشار:
مقابله به معنای شیوه‌ی روبه‌رو
شدن با فشارها و تلاش برای غلبه
بر آنهاست.

رویکرد های اتخاذی نوجوانان در
مقابله با فشار

مقابله مسئله مدار

• فرایندی است که در آن فرد سعی می‌کند با تلاش و فعالیت خود وضعیت موجود را تغییر دهد.

مقابله هیجان مدار

• این رویکرد متضمن آن است که فرد با فاصله گرفتن عاطفی از مشکل فرار می‌کند، در پی کسب حمایت عاطفی دیگران می‌رود.

مقابله اجتنابی

• در این رویکرد فرد از واقعیت فرار کرده و یا امیدوار است که معجزه‌ای رخ دهد و یا از طریق استعمال مواد مخدر و یا نوشیدن و خوردن از فشار و تنش ایجاد شده در خود بکاهد.

عوامل خطر فردی: (روانی)

► نقص مهارتهای ارتباطی : دوران نوجوانی سر آغاز ورود فرد به دنیای روابط اجتماعی و برقراری ارتباط گروه همسالان است. نوجوانانی که فرایند اجتماعی شدن را به خوبی طی کرده باشند از مهارت اجتماعی لازم برای برقراری ارتباط با دیگران برخوردارند. در واقع پیوند به معنای احساس پیوستگی فرد با جهان پیرامون خود است. پیوند علاوه بر توانایی برقراری ارتباط با دیگران مشتمل بر احساس اهمیت، احساس تعلق و وابستگی به خانواده، مدرسه و جامعه می شود. مبنای پیوند دارا بودن مهارت برقراری روابطی شایسته و دو طرفه با دیگران است. این مهارت اجتماعی به ویژه در دوره نوجوانی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده و زمینه سازگاری در آینده زندگی نوجوان تلقی می شود. کودکانی که فاقد پیوند هستند، انزوای اجتماعی و طرد شدن را تجربه می کنند و در معرض مشکلاتی در زمینه سلامت روانی و رفتار، ترک تحصیل و بزهکاری قرار می گیرند.

عوامل خطر فردی: (روانی)

- ▶ نقص در مهارت پیوند با دیگران در کودکان در معرض خطر به ناتوانی در حل مشکلات میان فردی بر می گردد. کودک باید از ابتدا بیاموزد که چگونه مشکلات روابط میان فردی خود را برطرف کند. مهارت حل مشکلات میان فردی دو جزء اساسی دارد: توانایی در نظر گرفتن راه حل های مختلف در هر شکل و درک نتایج رفتار: این مهارت معمولاً در کلاس های ابتدایی در کودکان رشد می کند و عملکرد میان فردی در بزرگسالان، نوجوانان و کودکان متأثر از مهارتهای مربوط به حل مشکلات میان فردی است.
- ▶ مهارت و توانایی اتخاذ موضع : این مهارت به معنی آن است که کودک توانایی فهم ادراکات، افکار و احساسات و اعمال دیگران را داشته باشد و بتواند استدلال دیگران را از خود متمایز کند. توانایی موضع گیری یک جوان بستگی به رشد شناختی وی داشته و زمینه را برای استدلال دیگران را از خود متمایز کند. توانایی موضع گیری یک جوان بستگی به رشد شناختی وی داشته و زمینه را برای استدلال اخلاقی و همدلی وی با دیگران ایجاد کرده و موجب تحکیم پیوند اجتماعی وی خواهد شد.

عوامل خطر فردی: (روانی)

- ▶ اختلال هویت: یکی از ویژگی‌های مهم دوره نوجوانی شکل‌گیری تدریجی هویت مستقل در نوجوان است به همین دلیل نوجوانی را دوره تجدید حیات روحی کودک دانسته‌اند که رکن اصلی این تجدید حیات روحی کشف «من» به عنوان موجودی مستقل است. برخوردار شدن از هویت مستقل چهار چوبی را در اختیار نوجوان قرار می‌دهد که براساس آن تجارب شخصی را تفسیر و معنا کرده و اهداف و جهت‌گیری شخصی خود را تعیین می‌کند. به گفته اریکسون در اواخر دوره نوجوانی یک بحران هویت روی می‌دهد که وی آن را بحرانی بهنجار می‌داند. این بحران ناشی از آن است که نوجوان در نیمه راه کشف و تعریف هویت مستقل خویش است. نوجوانان در یک لحظه در تلاش برای ساختن تصویری رشد یافته از خودشان، سعی می‌کنند نقشی را ایفا کنند که تصور می‌کنند بزرگان این گونه عمل می‌کنند و در لحظه دیگر ممکن است رفتار بچه‌گانه‌ای انجام دهند زیرا هنوز رشد کامل پیدا نکرده‌اند. با وجود آنکه از لحاظ جسمی بالغ شده‌اند و نسبت به والدین و بزرگ‌ترها احساس استقلال می‌کنند، لکن چون تجربه زندگی آنان محدود و بسیار کوتاه است نتوانسته‌اند انگیزه‌ها، مسئولیت‌ها و رفتار هدف‌محور را در درون خود وسعت بخشند.



عوامل خطر فردی: (روانی)



▶ **خلقیات منفی:** وجود برخی از خصوصیات خلقی و عاطفی در دوران کودکی را می توان به عنوان علامت خطری تلقی کرد که سلامت روان کودک و در نهایت سلوک وی را دچار اختلال خواهد کرد. همچنین نوع رفتار زود رنجی و معارض در اوایل کودکی نشانگری برای رفتارهای مشکل دار در دوران نوجوانی است.



فوریت های خطر:

اختلال سلوک

انجمن روان شناسی آمریکا در سال ۲۰۰۰ شاخصه های عمده اطفال و نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک را به چهار دسته تقسیم کرده است:

۱ – پرخاشگری که موجب آسیب بدنی به سایر افراد یا حیوانات گردیده و یا تهدیدی برای آنان محسوب گردد.

۲ – خرابکاری، آسیب به اموال و وسایل.

۳ – ارتکاب اعمال متقلبانه مانند کلاهبرداری و سرقت.

۴ – قانون شکنی و سرپیچی از مقررات.

مهم ترین علل بروز اختلال سلوک در کودکان و نوجوانان را می توان قرار گرفتن در معرض رفتارهای ضداجتماعی و یادگیری آنها، غفلت و سوءرفتار در محیط خانوادگی، تعاملات مخرب خانواده، فقدان مهارت های فرزند پروری در والدین، نقص عوامل شناختی و عوامل عصبی و روان شناختی از جمله ابتلا به اختلال پیش فعالی و کمبود توجه (ADHD) و انباشتگی و تداوم بزه دیدگی در دوره کودکی و نوجوانی دانست. با توجه به دشوار بودن و در مواردی ناممکن بودن درمان اختلال شخصیت ضداجتماعی در دوره بزرگسالی شناسایی علائم اختلال سلوک در دوره کودکی و نوجوانی و اقدامات پیشگیرانه از بروز آنها اساسی ترین اقدام در این زمینه است. در مورد اطفال و نوجوانان در معرض خطر که نشانه های اختلال سلوک در آنها دیده می شود اقدام اساسی قرار گرفتن آنان در محیطی پذیرنده و عاطفی و برخورداری از پدری مهربان و مقتدر و دارای شخصیت مطلوب است تا کودک بتواند خود را با او همانندسازی کند.

فوریت های خطر:

بزه دیدگی



▶ از وقایع مهمی که می توان آن را به عنوان یکی از پرتگاه های سقوط در ورطه انحراف و بزهکاری در دوران نوجوانی دانست تجربه بزه دیدگی در دوران طفولیت است. کودکی که در اوج ضعف و نیاز به حمایت جسمی و روحی، قاهرانه و متجاوزانه مورد بزه دیدگی واقع می شود چنان از لحاظ روحی و جسمی دچار آسیب می شود که اگر اقدامی فوری برای کاهش آلام و بازگرداندن مجدد اعتماد به جامعه بزرگسالان در وی صورت نگیرد به احتمال زیاد از مسیر مثبت رشد خارج خواهد شد و به دامن بزهکاری در خواهد افتاد.

اعتیاد

روی آوردن به مصرف مواد مخدر در دوران مخاطره آمیز کودکی و نوجوانی از خطرناک ترین ورطه هایی است که کودک و نوجوان ممکن است در این دوره سنی بدان پای گذارد. آثار مخرب وابستگی به استعمال مواد مخدر و الکل در این دوران به حدی عمیق است که بنیان سلامت جسمی و روحی کودک و نوجوان را به مخاطره انداخته نهال رشد و تعلیم و تربیت را در وجود وی خواهد خشکاند.



فوریت های خطر:

اعتیاد

عوامل
خانوادگی

خصوصیات
فردی

تأثیر
همسالان



مهم ترین عوامل مؤثر در گرایش
نوجوانان به مواد مخدر



عوامل خطر خانوادگی:

الف

سوء رفتار و بی توجهی : سوء رفتار با کودکان یا کودک آزاری و بی توجهی نسبت به نیاز های اولیه زیستی و روانی کودک که در ادبیات موضوع از آن به عنوان غفلت از کودک یاد می شود مهم ترین عامل خطر در سلامت جسمانی، روانی و سازگاری رفتاری کودک است.



عوامل خطر خانوادگی:

کودک آزاری



عوامل خطر خانوادگی:

آثار سوء رفتار و بی توجهی: کودکی که از سوی مراقبان خود مورد آزار جسمی، روانی یا جنسی قرار گرفته و تأمین نیازهای جسمانی، و عاطفی او مورد غفلت و بی توجهی والدین و مراقبان قرار می گیرد، با فشاری در هم شکننده و توان فرسا مواجه می شود و به ناچار در مقابل این فشار به واکنشی دست خواهد بود.



آثار سوء رفتار و بی توجهی

عوامل خطر خانوادگی:

ب

► **موقعیت ضعیف خانوادگی: موقعیت ضعیف اجتماعی و اقتصادی خانواده و قرار داشتن در پایین ترین طبقات اجتماعی از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد خطر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری است.**



عوامل خطر خانوادگی:

سبک تربیتی نادرست

سبک تربیتی: اضافه شدن کودک به هسته اولیه خانواده خواه ناخواه رابطه بین والدین و کودک را در پی خواهد داشت و با توجه به موقعیت طرفین این رابطه که در یک سوی آن والدین با نقش‌های تعریف شده اجتماعی به عنوان تأمین کننده نیازهای جسمی و عاطفی کودک، حمایت کننده و مراقب قرار دارند و در سوی دیگر آن کودکی آکنده از نیاز و وابستگی؛ والدین صرف نظر از جایگاه و موضع اجتماعی خانواده شیوه ای را در چگونگی ارتباط با کودک معمول خواهند داشت که می توان آن را سبک تربیتی والدین نامید.

عوامل خطر خانوادگی:

۱ - طلاق والدین: آثار مخرب طلاق والدین بر زندگی اطفال و نوجوانان آشکار و تأثیر آن در گرایش کودکان و نوجوانان به بزهکاری در تحقیقات متعدد به اثبات رسیده است. مهمترین روزه خطری که با طلاق و جدایی والدین فرا روی کودکان و نوجوانان ایجاد می شود، احساس ناامنی فیزیکی، متزلزل شدن امنیت عاطفی و احساس عزت نفس کودکان است و این صدمات به شدت کودکان را در معرض خطر انحراف قرار می دهد. طلاق فرآیندی است که نشان دهنده وجود یک سلسله عوامل خطر قبل از وقوع آن در زندگی کودک است.

از هم پاشیدگی
خانوادگی



عوامل خطر خانواده‌گی:

از هم پاشیدگی خانوادگی



۲- زندانی شدن والدین: زندانی شدن والدین از جمله آسیب‌زاترین وقایع زندگی کودکان است. این واقعه نیز همانند فوت یا جدایی والدین ابعاد سه‌گانه تکامل کودک یعنی رشد، جامعه‌پذیری و کنترل‌وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این واقعه علاوه بر آثار عمومی عدم حضور والدین تأثیر روانی و اجتماعی مخربی بر کودکان دارد. این واقعه علاوه بر آثار عمومی عدم حضور والدین تأثیر روانی و اجتماعی مخربی بر کودکان دارد.

عوامل خطر خانوادگی:

از هم پاشیدگی
خانوادگی

▶ **فوت والدین:** دوران کودکی دورانی آکنده از نیاز به تعلق و دوست داشته شدن، نیاز به امنیت و نیازهای مادی و جسمانی است. با مرگ یکی از والدین تمامی نیازهای کودک مورد هجوم قرار می گیرد، تعلق خاطر کودک به والدین متوفی، امنیتی که در چهارچوب خانواده برای کودک فراهم شده بود و حتی نیازهای مادی و جسمانی وی تحت الشعاع وضعیت جدید قرار می گیرد.



عوامل خطر خانوادگی:

از هم پاشیدگی خانوادگی



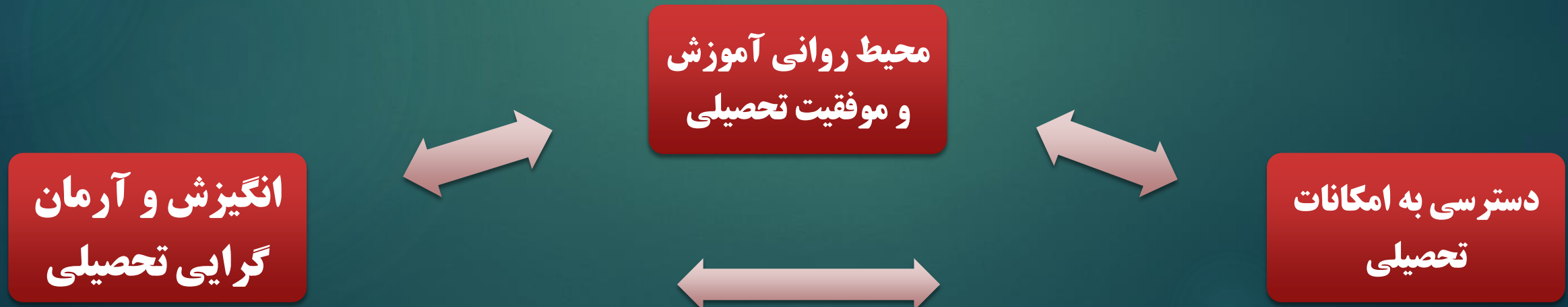
جدا شدن کودک از خانواده: به دلیل عدم رشد فکری و نیاز به امنیت عاطفی، شناختی که برای کودکان و نوجوانان در رابطه با از هم پاشیدگی خانواده ایجاد می شود، شناختی بر مبنای درک واقعیات زندگی نیست، بلکه کودک و نوجوان در موقعیتی که نقطه اتکای زندگی او با والدین و زندگی خانوادگی است و در همه نیازهای خود وابسته به خانواده است، ناگهان بر اثر واقعه ای به یکباره این تکیه گاه را فرو پاشیده می بیند و لذا علاوه بر احساس ناامنی در نیازهای جسمانی اولیه، نیاز به امنیت، محبت و تعلق و احترام و عزت نفس وی نیز به شدت در معرض خطر قرار می گیرد.

عوامل خطر در مدرسه:

کارکردهای اساسی مدرسه

کارکرد رشدی: پرورش استعدادهای فکری و ذهنی و برخوردار کردن کودکان از مهارتهای تحصیلی مانند خواندن و نوشتن، مبانی ریاضیات، علوم تجربی و انسانی ابتدایی ترین کارکردهای آموزشی مدرسه از جنبه رشدی است.

ایفای این وظیفه مستلزم وجود شرایط و عوامل متعددی است از جمله:



عوامل خطر در مدرسه:

کارکرد های اساسی مدرسه

► کارکرد جامعه پذیری : مدرسه و نظام آموزشی را می توان ابزار رسمی جامعه پذیر کردن کودکان و نوجوانان دانست. کودکان مرحله اول جامعه پذیری خود را با حضور در کانون خانواده، مشاهده الگوهای رفتاری والدین و شناخت ارزشها و هنجارهای ارائه شده از سوی آنان آغاز می کند و بسته به سطح موفقیت خانواده در تحقق شرایط درونی سازی ارزشها و هنجارهایی که به کودک ارائه کرده است، ارزشها و هنجارهای معرفی شده را درونی می کند.



درونی کردن
ارزش ها و هنجارها

آموزش ارزش ها
و هنجارها



عوامل خطر در مدرسه:

▶ **کارکرد کنترلی:** موقعیت کودک در کلاس و مدرسه وی را در جایگاهی قرار می دهد که معلم و نظام آموزشی بتوانند علاوه بر ارائه هنجارها و الگوهای رفتاری به وی و آموزش ارزشهای مسلط اجتماعی به کودکان، بر تداوم رعایت هنجارها و الگوهای رفتاری از سوی کودک نیز نظارت داشته باشند.

کنترل درونی

کنترل بیرونی

نقش
محوری
مدرسه

عوامل فطر در مدرسه:

اختلال در کارکرد جامعه پذیری

ارائه الگوی

غیر انطباقی

اختلال در
کارکرد جامعه
پذیری

عدم برخورد افتراقی

تناقض هنجاری



عوامل خطر در مدرسه:

اختلال در کارکرد کنترلی

اختلال در
کارکرد
کنترلی

نقص
کنترل
بیرونی

نقص
کنترل
درونی

گروه همسالان و رسانه ها:



پیازه معتقد است که روابط گروه همسالان، دموکراتیک تر از روابط میان کودک و پدر و مادرش است. واژه همسالان به معنای برابر است و روابط دوستی که میان کودکان خردسال برقرار می شود به طور معقول گرایش به برابر طلبی دارد. در واقع ، کودک در فرایند رشد خود پس از ورود به مرحله نوجوانی که احساس استقلال در او تقویت و تشدید می گردد، کم کم از محیط خانواده جدا شده و حضور با گروه هم سالان خود را بر محیط خانگی، ترجیح می دهد.

عوامل حمایت کننده در مدرسه:

متناسب کردن امکانات
آموزشی

مدرسه کارآمد

مداخلات مدرسه محور

اصلاح روش های تدریس و
ارزیابی

گزینش و برنامه های ویژه
معلمان

عوامل حمایت کننده در مدرسه:





همه آنچه برای انجام دوره های ضمن خدمت لازم است را
تنها از سایت و کانال ما دنبال کنید :

t.me/ltmsyarir

www.LTMSYAR.ir

(برای ورود به سایت و کانال تلگرام لینک های بالا را بفشارید.)